

11.07.2013

دشواری های صلح در افغانستان

تأمین صلح میان دو طرف متخاصم در یک کشور که هر کدام با اراده و استقلال خودشان بر سر اختلاف و خصومت معین وارد جنگ شده باشند، کاری سهل است. اما اگر در جنگ میان دو طرف دست ها و دخالت های فراوان بیرونی در کار باشد، هزینه های جنگ هم از منابع بیرونی تهیه شود، طرفین جنگ از اراده و استقلال کامل بهره مند نباشند، اهداف و انگیزه های جنگ برای هر دو طرف چندان شفاف و روشن نباشد، حتی دو طرف متخاصم در معرفی یکدیگر نظر و موضع روشن نداشته باشند، صلح به یک امر بسیار پیچیده و دشوار مبدل می شود. جنگ و بحران امروز افغانستان به نوع دوم مربوط می شود. در این دسته بندی تنها این استدلال کافی است که وقتی به سی سال جنگ در افغانستان نگاه کنیم می بینیم که اکثریت کشور های جهان حتی دور ترین کشور ها به گونه ای در جنگ و بحران افغانستان دخیل هستند. این در حالی است که همسایگان ما و کشور های مهم منطقه و جهان در این سی سال بگونه ی مستقیم و صریح در جنگ افغانستان دخالت و نقش داشته اند.

نقطه ی ناگوار در این دخالت ، تضاد و تناقض این دخالت ها است. اگر مداخله گران منطقوی و جهانی در جنگ و بحران سه دهه ی اخیر افغانستان سیاست یکسو میداشتند کار صلح آسان بود. اما آنها سیاست متفاوت و متناقض داشتند و تا اکنون نیز چنین است.

جنگ یک پدیده ی بسیار پر هزینه و مخرب است. هیچ طرف جنگ در افغانستان به یک حیث یک کشور فقیر و گرسنه توانایی این را در این سی سال نداشته و ندارد که مصرف این جنگ را خود تأمین کند . آنها ی که مصرف جنگ را تأمین می کنند ، سیاست های ناشی از ادامه ی جنگ را نیز در دست دارند . اگر امروز مصارف جنگ دولت را با طالبان ، امریکا و غرب تهیه می کند و آنها به عنوان نیروی خارجی حضور نظامی دارند ، مصرف جنگ با طالبان را نیز حلقه ها و گروه های خارجی تهیه می کنند . در میان آنها نیز خارجی ها حضور نظامی دارند . این عرب بچه های القاعده ، جنگجویان پاکستانی ، کشمیری، قفقازی، آسیای میانه، مسلمانان آلمانی، انگلیسی و هر جای دیگر برغم مسلمان بودنشان نیز برای افغانستان خارجی هستند . این پول های هنگفت جنگ طالبان نیز از منابع خارجی تأمین می شود . پس وقتی سر نخ جنگ در بیرون است آیا میتوان بدون در نظر داشت منابع بیرون و بدون توجه به نظریات و اهداف آنها ، به جنگ نقطه ی پایان گذاشت و طرف های جنگ را در افغانستان به صلح کشاند؟ مسلماً جواب منفی است.

در جهت ایجاد صلح در افغانستان:

اول، باید عوامل جنگ به خصوص عوامل خارجی آن مورد شناسایی قرار گیرد . دوم ، انگیزه و دلایل عوامل خارجی در این دخالت مشخص و روشن شود. در گام سوم پاسخ قانع کننده برای آنها در قطع دخالت ارائه شود. برای یافتن پاسخ درست و توافق بر سر آن باید کار مشترک توسط یک مجمع صلح که واقع بین ، منطقی و وطن دوست باشند، انجام شود . اعضای این مجمع میتواند از تمام طرف های جنگ و نهادهای اجتماعی و سیاسی مؤثر بوجود آید. ماموریت این مجمع را اهداف زیر تشکیل میدهد:

1 - مجمع صلح در قدم اول راه و میکانیزم توافق با همسایگان افغانستان را مشخص کند تا همسایه ها با ما نه برای جنگ بل برای صلح سیاست مشترک و متفق داشته باشند.

2 - برای این کار ضرور است تا تشخیص شود که دلیل همسایه های ما برای دخالت در جنگ چیست؟ در قدم اول انگیزه و دلیل پاکستان مورد توجه قرار گیرد که نقش بسیار مهم در جنگ و صلح افغانستان دارد. سپس سایر همسایگان. به دلایل آنها پاسخ منطقی و درست تهیه شود تا آنها هم قانع و هم مطمئن ساخته شوند .

3- بدون زندگی مسالمت آمیز و بدون رعایت منافع متقابل با همسایه ها و قانع سازی و اطمینان بخشی آنها، افغانستان به صلح نمی رسد . به این دلایل: افغانستان یک کشور فقیر و بیچاره است. از راه زور و ایجاد توازن قوا نمی توان به همسایه ها احساس اعتماد و اطمینان را تحمیل کرد؛ چون افغانستان فقیر و ناتوان حتی در آینده ی نه چندان نزدیک به توازن قوا در برابر همسایه ها دست نمی یابد. به زور قوای خارجی نیز این احساس به همسایه ها قابل تحمیل نیست. آنگونه که دیروز به زور قوای شوروی نشد، امروز به زور قوای امریکایی هم نمی شود. زیرا خارجی ها سر انجام این کشور را ترک می کنند اما افغانستان در کنار همسایه های خود میماند و اجباراً باید در همسایگی آنها زندگی کند. بنا بر این راه درست آن است که با همسایه ها باید به توافق رسید و در یک بده و بستان که منافع همه و اطمینان همه بر آورده شود سیاست آنها را از دخالت در جنگ به مشارکت در صلح تغییر داد.

4 - با کشور های مهم منطقه چون هند، عربستان، روسیه و چین نیز برای صلح در کشور به گونه ای توافق کرد که منافع افغانستان و آنها با منافع همسایه های ما گره بخورد و در تقابل هم قرار نگیرد.

5 - نگرانی و تشویش پاکستان و هند را حل باید کرد. به مشکل مرزی دیورند با پاکستان نقطه ی پایان گذاشت. تشویش پاکستان از روابط با هند و بالعکس تشویش هند از روابط با پاکستان را بر طرف ساخت . به همین گونه نگرانی های دنیای عرب و ایران را در رابطه با افغانستان مرفوع کرد. باید راه حلی را دریافت تا پاکستان، هند، عربستان، ایران، روسیه، چین، امریکا و اروپا قانع و وادار شوند تا کشور ما را میدان رقابت و خصومت های خود نسازند.

- 6- کشور های غربی به خصوص امریکایی ها را قانع ساخت که بر سر افغانستان سیاست خود را با ما و همسایگان ما و کشور های بزرگ منطقه همسو سازند. افغانستان را در این امر از نظر سیاسی و اقتصادی کمک کنند.
- 7- وقتی از طریق یک مجمع صلح به اشتراک حلقه های مختلف، راه حلی در جهت مطالب متذکره پیدا شد آنگاه می توان به یک راه حل صلح رسید. چون در آن صورت دیگر دستی از بیرون برای جنگ دراز نیست تا مانع صلح شود.
- 8 - راه دسترسی به صلح و پرهیز از جنگ برای خود مان در داخل کشور چیست؟ این را باید با یک بحث فشرده و جدی مشخص کنیم. مشخص است که دیگر در این قرن 21 نمی توان به شیوه ی قرون وسطی و نظام سیاسی امیر عبدالرحمن خانی، کشور را اداره کرد . ما به نظام سیاسی عادلانه بر مبنای اراده ی آزاد و مشارکت همگانی مردم خود نیاز داریم. نظامی که متضمن ثبات، عدالت و پیشرفت در تمام عرصه های حیات اجتماعی و اقتصادی ما باشد.